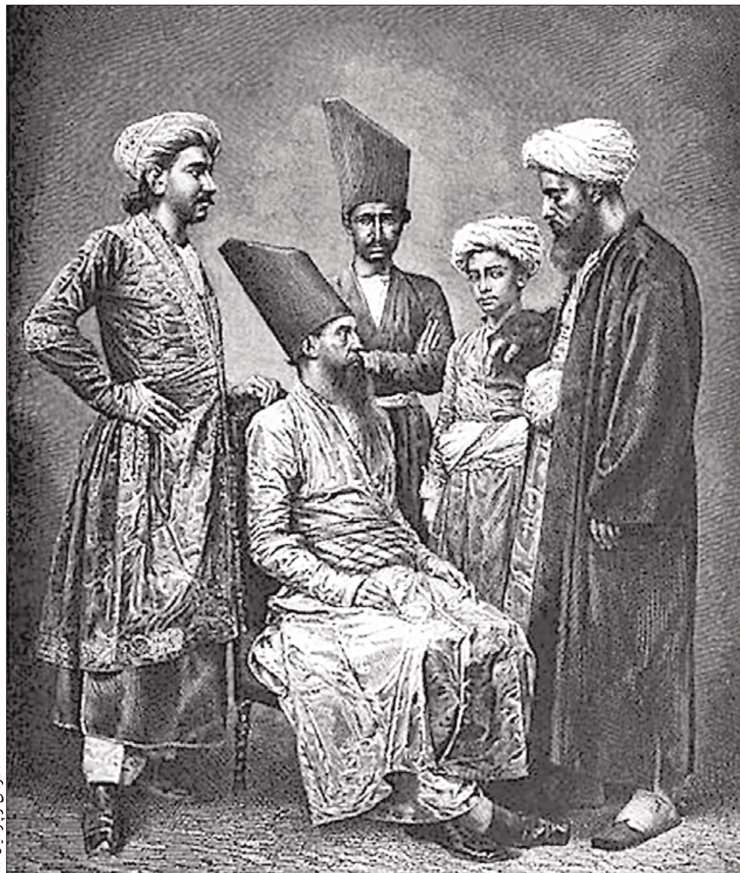
ایرانی تباران هند

■ مهناز نگهی

۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۱ (دوم می ۱۹۳۲) دینشاه ایرانی، رئیس وقت انجمن پارسیان هند در پنجمین روز اقامت خود در تهران از دولت وقت خواست تا پارسیانی را که در قرون هفتم و هشتم میلادی ترک وطن کرده و عمدتا در هند اقامت گزیده، ولی خود را همچنان ایرانی می‌دانند و به ترویج فرهنگ و تمدن ایرانیان پرداخته‌اند، از مزایای اتباع ایران برخوردار سازد. مقامات دولت وقت وعده فراهم آوردن تسهیلات را دادند اما این خواسته عملی نشد.



نگاره‌ای از پارسیان هند

پارسیان، به گروهی از ایرانی تباران اطلاق می‌شود که در قرن ۷ میلادی و پس از سقوط امپراتوری ساسانی، راهی هندوستان شدند. پس از ورود به هند، پارسیان قرن‌ها در منطقه گجرات ساکن شده سپس در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری، عازم بمبئی شدند. ورود پارسیان به بمبئی، نقطه عطفی در تاریخ آنان بود، آنان در بمبئی شریک تجاری پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها بوده و در گسترش و پیشرفت بمبئی نقش فراوانی داشتند.[1] از نشانه‌های روابط گسترده و نزدیک پارسیان با حاکمان انگلیسی هند، این است که نخستین هندی که در ۱۲۵۸ قمری/ ۱۸۴۲ میلادی لقب شوالیه را از سوی دربار انگستان دریافت کرد، فردی پارسی به نام جمشید جی جی بهای بود. اوج شکوفایی تجاری پارسیان در بمبئی در نیمه نخست قرن ۱۲ هجری بود به طوری که قدیمی‌ترین چاپخانه بمبئی را پارسیان تاسیس کرده و اولین روزنامه در غرب هندوستان را نیز با نام بمبئی سماچار منتشر ساختند.[2] سال‌های ۱۳۲۵ـ ۱۲۷۳ قمری/ ۱۹۰۷ـ۱۸۵۷ میلادی، دوره اوج نفوذ سیاسی و فعالیت تجاری پارسیان بود که با سرمایه گذاری در راه‌آهن، تلگراف، انتشارات و صنعت فولاد، نقش مهمی در اقتصاد و صنعت به‌دست آورده و بتدریج موفق شدند بخش مهمی از شریان‌های صنعتی، اقتصادی و علمی هند را در اختیار خود بگیرند.[3] از جمله می‌توان از خانواده بزرگ پارسی به‌نام جمشید جی تاتا نام برد که بنیانگذار گروه معروف صنعتی تاتا موتورز در هند است که بخشی از این تشکیلات اقتصادی توسط افراد این خاندان اداره می‌شود.

امروزه بیشتر پارسیان در بمبئی زندگی می کنند و زبانشان گجراتی است. اگر چه بیش از هزار سال از مهاجرت پارسیان از ایران می گذرد و حضور طولانی مدت در هندوستان تاثیر فراوانی بر آداب و رسوم آنها داشته است، اما آنان هنوز بسیاری از آیین‌ها، رسوم و سنت‌های ایرانی خود را حفظ کرده‌اند.

آداب و رسوم پارسیان

نوروز، مهم‌ترین جشن پارسیان: پارسیان در این روز برای عبادت و شکرگزاری به مراکز دینی خود می‌روند، صندل می‌سوزانند، به فقرا کمک می کنند و به جشن و پایکوبی می پردازند.[4] پارسیان هند، نوروز را تقریبا شبیه ایرانیان جشن گرفته و سفره هفت‌سین پهن می کنند. اما قرار گرفتن عناصری چون نیشکر، نارگیل در سفره و نبودن سیب، سنجد و سماق در آن نشان‌دهنده تاثیر شرایط اقلیمی و دور افتادگی فرهنگی از ایران است.

نامگذاری: پارسیان طی مراسمی دختران و پسران خود را نامگذاری می کنند. مردان پارسی در مراسمی به نام «پادون» نامگذاری می‌شوند. اسامی پارسیان، هندی و ایرانی است که اسامی ایرانی برگرفته از اوستا یا شاهنامه است. نام مردان به پسوند «جی» و نام زنان نیز به پسوند «بایی» ختم می‌شود.[5]

شاهنامه خوانی: شاهنامه‌خوانی و شاهنامه‌شناسی در میان پارسیان رواج فراوانی دارد. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ ترجمه بسیار زیبایی از شاهنامه به زبان گجراتی منتشر شد که بارها تجدید چاپ شده است. همان‌طور که گفته شد، شاهنامه در نامگذاری هنوز هم کارایی فراوانی دارد و در خانه هر پارسی وجود دارد.

ارتباط پارسیان با ایران

تلاش برای بهبود شرایط زرتشتیان: دوره قاجاریه دوران سختی برای زرتشتیان در ایران بود و پارسیان در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و سال‌های نخستین قرن ۲۰ میلادی، برای کمک به زرتشتیان در ایران، ۲ انجمن اکابر پارسیان هند و انجمن زرتشتیان ایرانی ـ بمبئی را ایجاد کردند. در این ایام شرایط سختی که در ایران وجود داشت زمینه‌ساز مهاجرت بسیاری از زرتشتیان از ایران شد و پارسیان هند می کوشیدند با حمایت از زرتشتیان ایران، مانع مهاجرت آنان به هند شوند. به همین جهت نمایندگانی را روانه ایران کردند که با توجه به ثروت و ارتباط خوبی که پارسیان هند با دولت انگلستان داشتند نمایندگان آنان همچون مانکجی لیمجی هاتریا در سال ۱۲۷۰ هجری و اردشیر جی ریپورتر و... توانستند اقدامات موثری در جهت بهبود وضع زرتشتیان ایران انجام دهند.[6]

حمایت از انقلاب مشروطه: همان‌طور که گفته شد با توجه به رویه نامناسب قاجاریه در برابر زرتشتیان، پارسیان هند که رضایت چندانی از قاجاریه نداشتند به حمایت از گروه‌ها و افراد مخالف آنان می پرداختند. به همین جهت هنگامی که ملک‌المتکلمین در ۱۲۹۹ هجری به هند رفت با استقبال گرم پارسیان مواجه شد و آنان به وی در انتشار کتاب «من الخلق الی الحق» کمک کردند.[7] وی نیز پارسیان را به بازگشت و سرمایه‌گذاری در ایران تشویق می کرد.[8] در جریان انقلاب مشروطه نیز زرتشتیان ایرانی نقشی تاثیرگذار داشتند. برخی از تجار همچون ارباب جمشید جمشیدیان و ارباب خسرو شاه‌جهان مرتبا به آزادیخواهان کمک‌های مالی می کردند. همچنین شواهدی وجود دارد که از سوی پارسیان هند نیز کمک‌هایی به آزادیخواهان ایرانی شده است.

فعالیت‌های فرهنگی

جمع آوری و ترجمه متون: پارسیان هند به واسطه قرن‌ها پراکندگی در گجرات و دوری از یکدیگر، کم کم در خواندن و نوشتن اوستای پهلوی دچار مشکل شده بودند و در زمینه مسائل مذهبی اختلافاتی میان آنان به وجود آمده بود. به همین جهت بتدریج از قرن نهم هجری در پی آن برآمدند تا از طریق همکیشان خود در ایران براین مشکلات فایق آیند. پس از این ارتباطات مستمری میان آنان و زرتشتیان یزد و کرمان برقرار شد. پارسیان در همین ارتباط و برای تعلیم مسائل دینی، اوستا و پهلوی به جمع‌آوری کتب خطی و انتقال آنها به هندوستان پرداختند از جمله نسخه خطی دین کرد، ترجمه وندیداد توسط هیربد فرامجی اسفندیار جی ربادی به

پارسیان؛ به گروهی از ایرانی تباران هند اطلاق می‌شود که در قرن ۷ میلادی و پس از سقوط امپراتوری ساسانی راهی آن دیار شدند

زبان گجراتی و.... بتدریج بزرگان و ثروتمندان پارسی برای گردآوری و حفاظت از این نسخه‌ها، کتابخانه‌هایی را در مناطق مختلف همچون بمبئی تاسیس کردند.[9]

ترجمه متون کهن فارسی: همزمان با انتشار ترجمه کتب مربوط به ایران باستان، پارسیان که اهمیت خاصی برای زبان و ادبیات فارسی قائل بودند بسیاری از شاهکارهای ادبیات فارسی را به زبان‌های گجراتی و انگلیسی ترجمه کردند که برای تدریس در دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها مورد استفاده قرار می گرفت. از این میان می توان به آثار زیر اشاره کرد:
ـ ترجمه شاهنامه فردوسی به زبان گجراتی در اوایل قرن بیستم ـ ترجمه منطق الطیر عطار به زبان انگلیسی توسط سر رستم مسانی ـ ترجمه ۵۰ غزل منتخب از دیوان حافظ با شرح و تفسیر به انگلیسی و همچنین ترجمه منتخبات اشعار عارف توسط دینشاه ایرانی ـ ترجمه کتاب پهلوی جاماسب نامه توسط جیوانجی جمشید جی مدی و...

علاوه بر این پارسیان در زمینه تاریخ ایران باستان نیز دارای تالیفات متعددی هستند: کتاب اخلاق ایران باستان، فلسفه ایران باستان و سخنوران دوران پهلوی تالیف دینشاه ایرانی، کتاب تاریخ زبان پهلوی تالیف جهانگیر تاوادیا، کتاب سکه‌های تبرستان تالیف جمشید مانکجی اونوالا و...

تاسیس نهادهای فرهنگی: پارسیان هند به سبب ارتباط گسترده با اروپاییان و ایران و همچنین توجه به گذشته تاریخی و دینی خود، بتدریج از قرن ۱۲ و ۱۳ هجری از اهمیت فراوانی در مطالعات ایران‌شناسی در جهان برخوردار شدند و با توجه به‌این که سفر به هندوستان بسیار آسان‌تر از سفر به ایران بود تعدادی از اروپاییان برای تهیه نسخ خطی و یادگیری خطوط باستانی ایران رهسپار هندوستان می‌شدند.[10] بتدریج بزرگان پارسی اقدام به تاسیس کتابخانه و مراکز پژوهشی در زمینه ایران‌شناسی و دیانت زرتشتی کردند. از جمله این مراکز می توان به موسسه شرق شناسی کاما اشاره کرد، خورشیدجی رستم جی کاما (متوفی ۱۹۰۹/۱۳۲۷) نخستین پارسی بود که اوستا را فرا گرفت و پس از بازگشت به بمبئی، مدرسه‌ای را برای تدریس زبان اوستایی تأسیس کرده و آموخته‌های خود را به رایگان در اختیار مشتاقان این علم قرار می‌داد. در ۱۹۱۵/ ۱۳۳۳ خانواده کاما، با اهدای کتابخانه شخصی وی، موسسه کاما را در بمبئی بنیان نهادند که بزرگ‌ترین مرکز مطالعات ایرانی در مشرق زمین شد و از آن پس بسیاری از پارسیان کتابخانه‌های خود را به این مؤسسه اهدا کردند یا بخشی از ثروت خویش را به آن اختصاص دادند.[11]

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ آبادانی، فرهاد، مهاجرت «پارسیان به هندوستان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۶، ش ۷ (۱۳۵۰ ش)، ص ۱۲۹ـ ۱۲۸.

۲ ـ آبادانی، «تاریخ مهاجرت پارسیان به هند» مهر، سال ۱۲، ش ۴ (تیر ۱۳۴۵)، ص ۲۵۴ـ۲۵۳.

۳ ـ ارشاد، فرهنگ، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند قرن هشتم تا هجدهم میلادی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۲۷۹.

۴ ـ «مذهب پارسیان»، نشریه انجمن آثار ملی، دوره ۱، ش ۴ـ۳ (پاییز ـ زمستان ۱۳۵۵)

۵ ـ دهدشتی، آصفه، «فصل اول و چهارم از کتاب مراسم و آداب و رسوم پارسیان اثر جیوانجی جمشیدجی مودی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۱، ص ۲۵ـ ۲۰.

۶ ـ پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران ۱۳۶۱، ص ۳۱.

۷ ـ صفایی، ابراهیم، رهبران مشروطه، ج ۱، تهران ۱۳۶۳، ش ج ۱، ص ۳۴۰.

۸ ـ ملکزاده، مهدی، زندگانی ملک المتکلمین، تهران ۱۳۲۵ ش، ص ۱۹ـ۱۸.

۹ ـ بویس، مری، دیانت زرتشتی در دوران متأخر، ترجمه فریدون وهمن، تهران ۱۳۴۸ ش، ص ۱۴۲.

۱۰ ـ رجب‌نیا، مسعود، زندگینامه آنکتیل، «دوپرون»، نشریه، انجمن فرهنگ ایران، باستان، سال ۱۱، ش ۲، اسفند ۱۳۵۱، ص ۷.

۱۱ ـ غروی، مهدی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی بمبئی ـ کتابخانه مؤسسه کاما ـ گنجینه مانکجی، اسلام‌آباد ۱۳۶۵ ش، ص ۱۱ ـ ۹.